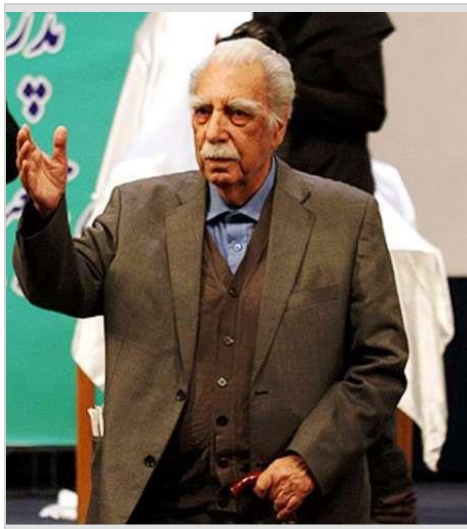




روز سوم و پایانی کنگره درماتولوژی شمالغرب کشور- تبریز با برگزاری مراسم بزرگ داشت استاد فرهیخته شادروان دکتر سید محمد حسین مبین به پایان رسید.

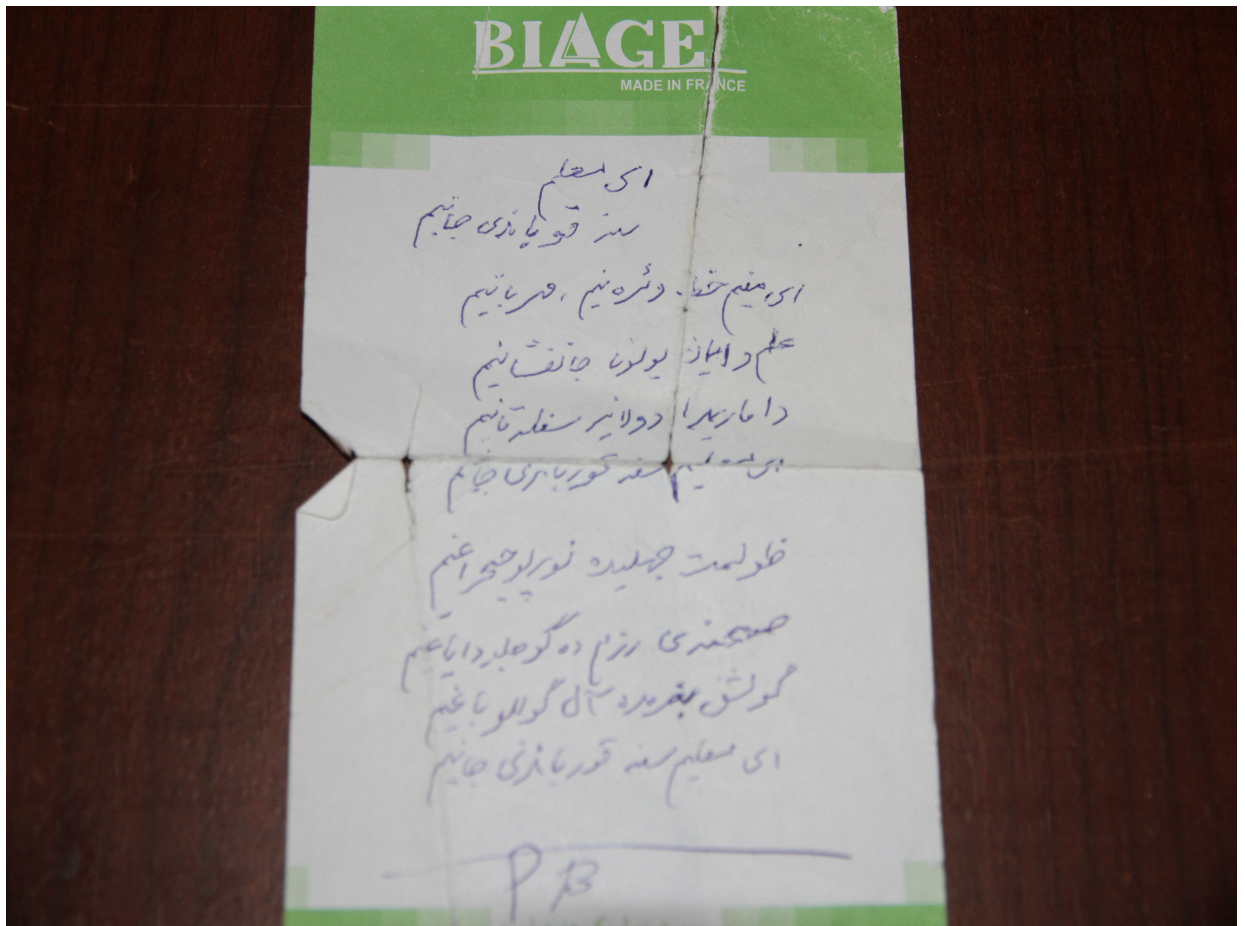
در این مراسم جمعی از همکاران و دوستان و همچنین خانواده مرحوم دکتر مبین حضور داشتند. اولین سخنران سرکار خانم دکتر عفت خدائیان مدیر گروه پوست دانشگاه علوم پزشکی تبریز بودند که ایشان اشاره کردند که بنده افتخار شاگردی استاد را دشتم و افزودند کلمه استاد به تمام معنا لایق ایشان است. دکتر مبین بدون هیچ چشم داشتی به جذامیان کمک می‌کردند. دکتر خدائیان در ادامه افزودند: من در بیمارستان هفت تیر رزیدنت بودم، روزی دکتر مبین جمله ای را به من فرمود که همیشه این را به یاد دارم؛ نصیحت استاد به من بود که: «تا امروز درس خواندی و پزشک شدی؛ از امروز به بعد بیماران تنها به درمان دارویی تو نیاز ندارند بلکه آرامش دادن به آنها و تسکین آلام آنها وظیفه توست.»

در ادامه مراسم بزرگ داشت استاد فرهیخته شادروان دکتر سید محمد حسین مبین، کلیپی از مرکز باباباغي نمایش داده شد که در آن بیماران رنجور جذامی مرحوم دکتر مبین را پدر خطاب کرده و می‌گفتند ایشان انسان بزرگ و بشر دوستی بودند و باید از ایشان تقدیر به عمل آید و کسانی که از ایشان تقدیر و تعظیم می‌کنند هم شایسته تقدیرند.

سخنران بعدی مراسم آقای دکتر انصارین از دوستان و همکاران قدیمی دکتر مبین بودند. ایشان دوستی با مرحوم دکتر مبین را دنیایی از صمیمیت، دوستی و صفا بیان کردند که می‌بایست اخلاق و کردار ایشان را به جامعه، مردم و جامعه علمی دنیا شناساند.



ایشان با بیان خاطراتی از دکتر مبین و تلاش‌های ایشان در خدمت به بیماران، متذکر آخرین دیدارشان با دکتر مبین شدند که مرحوم دکتر مبین به ایشان قطعه شعری تقدیم کرده بودند که تصویر شعر به خط استاد در ادامه می‌آید:



ایشان در پایان سخنان خود با چشمان اشک آلود و بغض ترکیده این شعر را برای حضار زمزمه کردند:

زندگی صحنه زیبای هنرمندی ماست

هر کسی نغمه‌ی خود خواند و از صحنه رود

صحنه همواره به جاست

خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد.

سخنران بعدی مجلس بزرگداشت استاد فرهیخته شادروان دکتر سید محمد حسین مبین، دوست و یار قدیمی ایشان، آقای دکتر احد رازی بود.





دکتر رازی در ابتدای سخنان خود گفت من از 16 مرداد 1352 دکتر مبین را می‌شناختم چون روز اول ورود من به دانشکده بود. آن گونه من دکتر مبین را در نشست های دو نفره مان شناختم، فهمیدم من طاقت و تحمل همچون او را ندارم اگر من حوضچه ای بودم دکتر مبین اقیانوسی از صبر، تحمل و متانت بود. روزگاری که همه جا تعطیل بود و دستیار و دانشجو کارمند نبود ایشان به تنهایی روزی 100 تا 150 بیمار را معاینه و درمان می کرد. با این اوضاع هیچ وقت ندیدم که ایشان لب به شکوه باز کند و شکایتی بکند اصلا از اینها حرفی به من نمی زد.

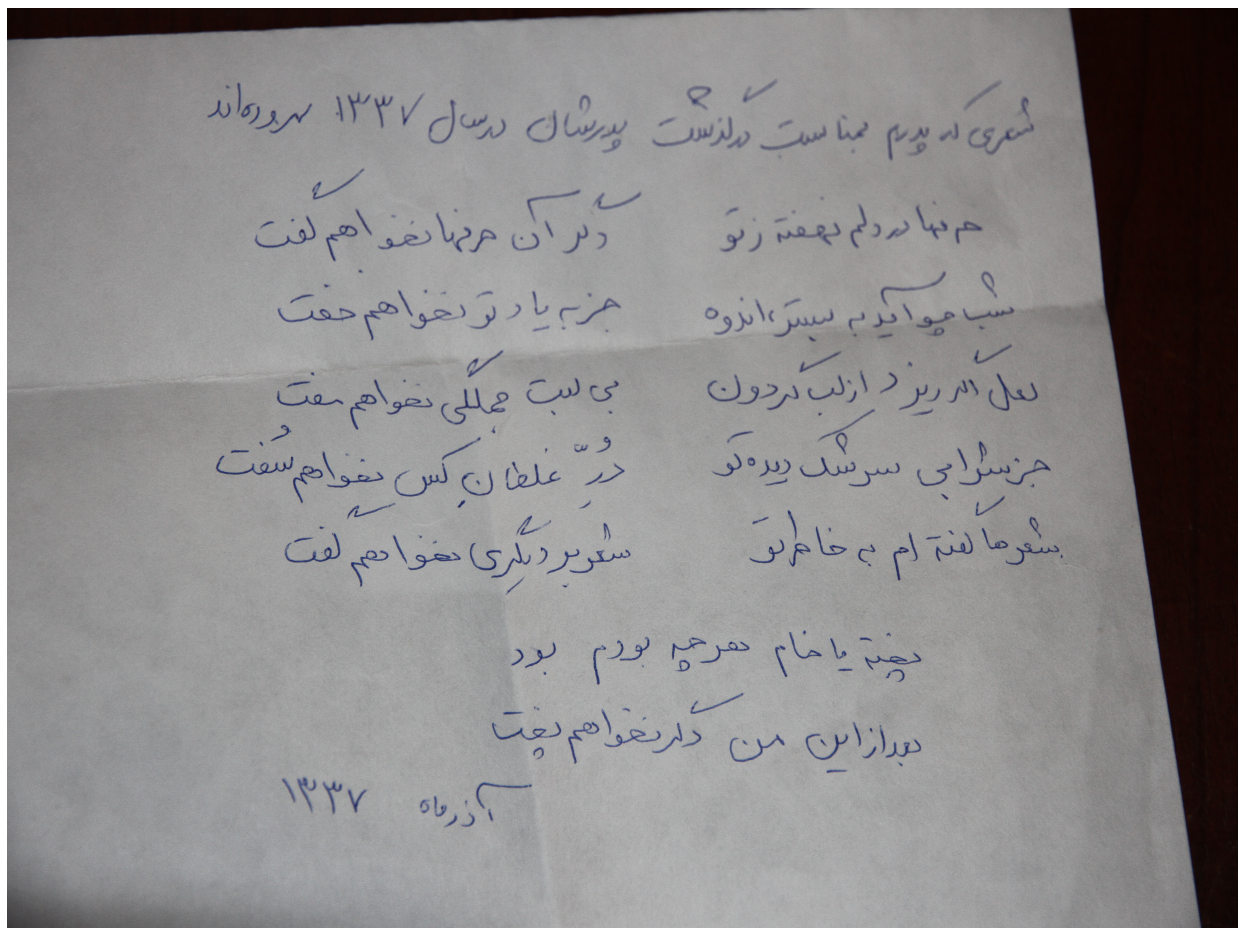
استاد بازنشسته دانشگاه علوم پزشکی تبریز در ادامه افزود: می دانید بیماری جذام بسیار علیل کننده است و بعضی از بیماران هم اگر مستعد باشند حالت تهاجمی به خود می گیرند. در آن زمان اگر خیلی ها با اکراه به باباباگی می رفتند اما دکتر مبین بسیار عاشق به آنجا می رفت و با قیافه های عوض شده و تغییر یافته بر اثر بیماری جذام چنان با محبت کار می کرد که قابل تصور نیست.

دکتر رازی در ادامه گفت: سه کلمه است که همیشه با هم می آیند:

مبین، باباباگی و جذام. اگر یکی از این کلمات را گفتید دوتای بعدی لاجرم خواهد آمد. خوشا به حال ایشان که نام و رسم نیکی را یادگار گذاشت.

آخرین سخنران این برنامه، خانم دکتر شهرزاد مبین دختر دکتر مبین بود. ایشان با تشکر از مسئولین مراسم بزرگداشت که نام مرحوم دکتر مبین را دیگر بار زنده کردند افزود تا وقتی که این ارج و قرب در بین شما هست پدر من زنده است. تنها تسلائی زندگی در سختی از دست دادن پدرم این محبت های شماست.

ایشان در آخر سخنان خود قطعه شعری را از استاد قرائت کردند که تصویر آن در ادامه قابل مشاهده است.



علیرغم پوشش دادن خبر کلی از کنگره درماتولوژی توسط معاونت خبر صدا و سیما متأسفانه باوجود هماهنگی و دعوت از صدا و سیما برای پوشش خبری این قسمت ارزشمند از برنامه، پوشش خبری و تصویری این بزرگداشت از رسانه ملی پخش نگردید.

لینک مطلب در سایت : <http://www.tbzmed.ac.ir/?MID=21&Type=News&id=2609>